

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ اپریل ۲۰۲۱

جایگاه سوسیال امپریالیسم چین در وضعیت جهان کنونی در کجاست

(۱)

در جمهوری توده‌ئی چین، بعد از انقلاب کبیر اکتوبر شوروی در سال ۱۹۱۷، بزرگترین انقلاب قرن بیستم یعنی انقلاب کبیر اکتوبر چین رخ داد که دست استعمارگران غرب با سرسپردگی «چانکایچک» را از چین کوتاه کرد. چین قرن‌ها قربانی ستم و اسارت غرب «بشر دوست» بود. خلق ایران به موقع خود به رهبری حزب توده ایران، همواره از انقلاب چین و مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی آنها دفاع کرد. جمهوری توده‌ئی چین در گذشته یک کشور سوسیالیستی بود، که بعد از روی کار آمدن رویزیونیست‌ها در درون حزب کمونیست چین و پذیرش تئوری ارتجاعی «سه دنیا» در داخل حزب کمونیست چین، نفی دیکتاتوری پرولتاریا و ... از این کشور سوسیالیستی؛ یک کشور سرمایه‌داری دولتی ساخت که امروز در تکامل خویش به کشوری سوسیال امپریالیستی مانند شوروی فروپاشیده سابق بدل شده است. این کشور، کشوری سوسیال امپریالیستی است و نه فقط سرمایه‌داری دولتی. به گفته لنین سوسیال امپریالیست‌ها در عمل امپریالیستی رفتار می‌کنند ولی در حرف از سوسیالیسم سخن می‌رانند. آنها همان نقشی را بعد از روی کار آمدن رویزیونیسم در چین به عهده گرفته‌اند که سوسیال امپریالیسم شوروی بعد از روی کار آمدن رویزیونیست‌های خروشچفی در اتحاد جماهیر شوروی سابق در پیش گرفت.

چین یک امپریالیسم نوخاسته است و در حالی که روز به روز به قدرت آن افزوده می‌شود و در عرصه جهانی برای منافع ملی خویش فعالیت می‌کند، امروزه نه از نظر قدرت اقتصادی به عنوان دومین قدرت و نه از نظر قدرت و نفوذ سیاسی، نظامی، فرهنگی هرگز به پای امریکا نمی‌رسد. همین خیل جاسوسان امریکائی در ایران، که آگاهانه و مودیان به ضد چین با تحریک به راه انداختن تظاهرات؛ از احساسات ملی و ضد خارجی مردم مارگزیده ایران سوء استفاده می‌کنند، همان بخشی، که سرش در آخورهای منابع امنیتی سپا، موساد و عربستان سعودی بوده و یا غربزدگی و تبلیغات صهیونیستی تا مغز استخوانش نفوذ کرده است، نشان می‌دهد چقدر موقعیت خرابکاری و عینی برای نابودی ایران به دست امریکا مساعدتر است تا در دست چین.

خطری که ایران را بالفعل و بالقوه تهدید می‌کند، سوسیال امپریالیسم چین نیست، امپریالیسم امریکاست که سابون غارتگری و چپاول و خونریزی وی به تن مردم ایران همراه با استعمارگران بریتانیائی در صد سال اخیر مستمراً خورده است و دیگر با هیاهوی ایرانی‌های خودفروش، این تاریخ خیانت قابل کتمان نیست.

این کشور چین نیست که تمامیت ارضی، حق حاکمیت ملی و حقوق ایران را تهدید می‌کند و با زبان نژادپرستان و زورگویان با ایران صحبت می‌نماید، این رهبر «دنیای آزاد»، امپریالیسم تبهکار جهانی امریکا است، که به خود اجازه تحقیر سایر ملل را می‌دهد. این واقعیتی است که ما در دنیای کنونی و در منطقه با آن روبه رو هستیم و امنیت تمام مردم منطقه را به خطر انداخته است. این امپریالیسم امریکا است که ایران را محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی کرده است و برای خرابکاری چمدان‌های پول در خارج میان اپوزیسیون خود فروخته پخش می‌کند. اروپای متحد نیز در کنار امریکا علی‌رغم همه تضادهایش با امریکا به عنوان متحد ایستاده است. تمام ارتجاع منطقه در کنار امپریالیسم امریکا قرار داشته و کشور ما را شبانه روز تهدید می‌کنند.

اگر کسی ریگی در کفش نداشته باشد و بخواهد اوضاع جهان و منطقه را واقع‌بینانه و بدون تعصب بررسی کند، متوجه می‌شود که کشور چین، که هم و غم خود را محدود به افزایش قدرت اقتصادی در محیطی خارج از تشنج قرار داده است، خطری بالفعل برای صلح جهانی نیست. حفظ صلح و ایجاد آرامش و تشنج‌زدائی، تلاش برای رفع اختلافات کشورها در سراسر جهان و به ویژه منطقه عبور جاده ابریشم بخش مهمی از سیاست ستراتیژیک فعلی چین است، زیرا این سیاست در لحظه کنونی به نفع منافع چین می‌باشد و در این زمینه با ایران دارای منافع و حقوق مشترک است. «وانگ یی»، وزیر امور خارجه چین، برای دستیابی به امنیت و ثبات در منطقه با یک ابتکار ۵ ماده‌ای وارد خاورمیانه شده است. چین قصد دارد ضامن ثبات و میانجی در تقریباً همه درگیری‌های خاورمیانه، حتی برای فراهم آوردن محل جهت مذاکره های مستقیم بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در بیجینگ باشد.

بر اساس نکات کلی منتشر شده در قرارداد ۲۵ ساله همکاری ایران و چین این همکاری شامل سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های ایمنی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، کشاورزی، اقتصادی، علمی، جهان‌گردی، نفت و انرژی، زیرساخت‌های مخابراتی و فناوری ارتباطات، تجارت، بهداشت و سلامت می‌گردد. در یک کلام تقریباً تمام عرصه‌های حیات جامعه ایران را دربرمی‌گیرد. در عوض ایران تخفیف‌های ویژه برای فروش نفت برای چین قائل می‌شود که برابر پاره‌ای گزارش‌ها تا ۳۲ درصد یعنی حدود یک سوم بهای نفت نسبت به بهای پایه جهانی تعیین شده است. البته این قیاس تنها از نظر تئوریک و تبلیغات مخالفان حاوی ارزش است؛ ولی در شرایط فعلی از نظر عملی و واقعی فاقد اهمیت برای ایران و مردم میهن ما خواهد بود. زیرا سال‌هاست که با فشار غیرقانونی امریکا و اسرائیل، ایران در عمل حق فروش نفت خود را در جهان نداشته بهای پرداخت شده آن در بانک‌های زیر نفوذ امریکا مسدود و یا مصادره شده و یا این که ایران مجبور است بدون دورنما و امکان محاسبه اقتصادی، بدون این که قادر به برنامه‌ریزی درازمدت برای تدوین اهداف اقتصادی خود باشد، با فروش نفت قاچاق با همین تخفیف ۳۲ درصد و از جمله به چین موافقت کند و این خطر مضاعف را نیز ببخشد که نفت‌کش‌های ایران از جانب ناوگان بحری امریکا در آب‌های بین‌المللی متوقف شده، نفتش به نفع امریکا تخلیه گشته و مصادره گردد. آیا نگرانی ایرانیانی که بر قراردادهای خائنانه «داری» و «کنسرسیوم نفت» تا روز آخر رژیم گذشته صحنه گذاشتند و تا امروز نیز به نوکری «دنیای آزاد» افتخار می‌کنند، از بابت این تخفیف رژیم ج. ا. به چین مضحک نیست؟ دل آنها برای امریکا می‌سوزد و نه ایران.

ادامه دارد

برگرفته از توفان شماره ۲۵۴ اردیبهشت ماه [ثور] ۱۴۰۰ اپریل ۲۰۲۱
ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)